

چرا در جامعه ما فحشا جای عفت را می‌گیرد؟!

عفت خواهران مسلمان و باعزت افغانستان قربانی لبرالیزم غربی و استعمار نوین



چندی قبل خبر بسیار دردناکی از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی درز کرد که باعث خجالتی هر افغان مسلمان و در عین حال سرافکندگی و شرمساری حکام مزدور و طرفداران دموکراسی لبرال در افغانستان می‌باشد. یکی از بازیگران تیم ملی فوتبال اظهارات را در مورد رئیس فدراسیون فوتبال افغانستان همگانی ساخت که حاکی از سوء استفاده جنسی از بازیگران تیم ملی فوتبال زنان بود.

این خانم که خود عضو این تیم و در خارج از افغانستان زندگی می‌کند، مدعی شد که در فدراسیون فوتبال از بازیگران طبقه اناث به زور و اکراه و یا هم در موارد بدون اکراه، سوء استفاده جنسی صورت گرفته است. اگر چه این یک خبر نو نیست. چون وضعیت زنان افغان در دستگاه‌های دولتی و موسسات خارجی به همگان آشکار است و سطح فساد اخلاقی در جامعه پس از سال 2002 در افغانستان از یک حالت بسیار فجیع حکایت می‌کند، ولی رسانه‌یی شدن این خبر مربوط به فدراسیون فوتبال، نکته‌ی است که بالای آن باید مکث صورت بگیرد.

اول این‌که جامعه افغانی در مقابل نوامیس و عفت خواهران خود آن قدر بی‌احساس و بی‌تفاوت شده‌اند که این خبر تکان دهنده و دردناک بغیر از سرخط چند رسانه و یکی دو تقبیح دولتی و حرکت‌های سمبولیک از طرف ارگ، هیچ نوع واکنش در میان مردم نداشت. فرضاً اگر چنین یک خبری ده یا بیست سال پیش نشر می‌شد، عکس‌العمل جامعه افغانی در مقابل آن بسیار متفاوت و جدی‌تر می‌بود. این خود نشاندهنده حالت نابسامان اخلاقی و ذهنی کشور است که بعد از 18 سال استعمار و تطبیق دموکراسی به این حد رسیده است.

حساسیت‌های مردم در مقابل این نوع مسایل بسیار کم شده و شاید در اکثر حالات فامیل‌ها به این تلاش اند تا صرف اگر بتوانند اعضای خانواده خود را در امان نگهداشته و از شر این چنین فتنه‌ها حفظ نمایند. واکنش در مقابل مشکلات مردم، همسایه و ناموس افغان به یک اولویت دست سوم و چهار تبدیل شده است. از طرف دیگر، درز این خبر در مطبوعات عمدی بود تا واکنش و نبض جامعه افغانی از این طریق مطالعه گردد. بالاخره با نشر و پخش مکرر این نوع اخبار و استمرار بر آن، می‌خواهند تا نشر و پخش این چنین اخبار به یک امر عادی مبدل گردیده و فحشا جای عزت و عفت را در جامعه بگیرد.

عمدی بودن نشر این خبر را می‌تواند از رویداد های بعدی که اتفاق افتاد استنباط نمود. متعاقب این خبر فعالیت‌های گروه‌های حمایت از دموکراسی، انجوها و شبکه‌های مفسد در کابل شدت یافته و شروع به الگو سازی فحشا و انسان‌های بی‌عفت برای جوانان کشور گردید. طی یک کمپاین، عکس یکی از مشهور ترین و مفسد ترین آوازخوانان افغان بالای در و دیوار شهر نقاشی شده و به وی لقب قهرمان داده شد. متعاقب آن در کشور سویدن نمایشگاه عکاسی از خشونت علیه زنان برگزار گردیده که در آن عکس نیمه برهنه یک زن افغان که برقع بر سر داشته و با بدن برهنه توجه بسیاری را به خود جلب کرده است، در شبکه‌های اجتماعی افغانستان خبرساز گردید.

هم‌چنان زن دیگر در سفارت هالند کتابی به نام برقع را رونمایی کرد که به قول خودش داستان مردهایی بوده که در موفقیت زنان نقش داشته‌اند. نشر خیر سوء استفاده جنسی در یکی از گوشه‌های نظام مفسد و بعدش کمپاین‌های مرتبط دیگر، هرگز تصادفی نبوده؛ بلکه جز از برنامه‌های فاسد غرب و مزدوران آنها در افغانستان می‌باشد تا این جامعه مسلمان را عاری از اخلاق نموده و نیمه دیگر جامعه را در مقابل فساد بی تفاوت نمایند.

با ارزیابی و پی‌گیری نشرات تمویل شده واضح می‌گردد که رسانه‌های مزدور و فروخته شده غربی در اکثر موارد تنها روی موضوعات تمرکز می‌کنند که توسط باداران غربی شان برای شان اشاره شده است. این رسانه‌ها هرگز موضوعات اخلاقی را نشر نکرده و یا نمی‌کنند؛ مگر این‌که از آن به نفع نظام فعلی استفاده شده و یا کاربرد سیاسی داشته باشد؛ زیرا چنین قضایای که در فدراسیون فوتبال افغانستان اتفاق افتاده بسیار بوده؛ اما هیچ گزارشی در مورد نشر نشده است. نشر اخبار تحت نام خشونت علیه زنان که منجر به تحریک زنان علیه مردان و از هم پاشی خانواده‌ها گردد، تمرکز اصلی خبر رسانی در افغانستان را تشکیل می‌دهد. اما در عقب همگانی سازی قضیه سوء استفاده جنسی از بازیگران تیم ملی فوتبال زنان برنامه‌های نهفته است که یکی پی دیگری بالای جامعه افغانی تطبیق می‌گردد.

در اکتوبر سال 2017 کمپاین توسط فیمینست‌های غربی در شبکه‌های اجتماعی تحت نام "Me Too" و یا "من هم چنان" براه انداخته شد. این کمپاین در کشور های غربی حمایت و توجه بسیار را به خود جلب کرد. هدف این کمپاین به اصطلاح ظاهر ساختن عمق فاجعه علیه زنان در کشور های غربی و کثرت قضایای تعرض جنسی بر زنان در این کشور ها بود. این کمپاین در مدت بسیار کوتاه توجه جهانی را به خود جلب کرد و کمپاین‌های متعدد و مشابه دیگری در تمام کشور های دنیا براه انداخته شد. هدف دیگر از نشر

خبر فدراسیون فوتبال به نحو ربط آن به تحرک جهانی "من هم چنان" می‌باشد که این کمپاین در افغانستان بشکل از اشکال تحت نام دیگر تطبیق گردید.

فیمینست‌ها معتقدند که تساوی مرد و زن به هر صورت ممکن است - اگر چه خلاف غرایز و فطرت طبیعی انسان هم باشد - باید به حقیقت مبدل گردد. برخی از آنها اگرچه خلاف استفاده از جسم زن در اعلانات تجارتي و فروش اموال می‌باشند، ولی یک‌عده‌ای خاص از این گروه به این باورند که از جسم زن اگر برای فروش کالا و بازار یابی استفاده شده می‌تواند، باید در معاملات سیاسی و پیشبرد اهداف سیاسی و فیمینستی نیز مورد استفاده قرار گیرد. شاهد چندین رویدادی در کشور های غربی بودیم که کنفرانس‌ها و اجتماعات سیاسی توسط زنان برهنه برهم زده شد. حتی موقع عبادت در کلیسا ها و یا دیگر امکان مذهبی زنان برهنه داخل شده و شعار های در مورد حقوق زنان سر دادند. این همه ریشه در همان مفکوره و فکره غربی دارد که از جسم و جنس زن صرف به نفع تجارت و سیاست استفاده شود.

استفاده جنسی و تعرض جنسی بالای زنان در کشور های غربی به اوج خود رسیده و به اساس آمار و ارقام خود این کشور ها، به هزار ها قضایای تجاوز و تعرض جنسی بالای زنان در کشور هایی به اصطلاح پیشرفته غربی سالانه ثبت می‌گردد. این در حالی است که در این زمینه هیچ اقدامی صورت نگرفته، چون تحت قوانین بشری که اساس و منشای آن غرایز و خواهشات نفسانی انسان است، این معضل حل شده نمی‌تواند. ولی استفاده از نام تجاوز جنسی و بدنام سازی شخصیت‌های سیاسی در کشور های غربی بخصوص امریکا به یک عرف مبدل گردیده است که نشان دهنده بُعد دیگری از استفاده ابزاری از جسم زن می‌باشد. مثال واضح آن ادعا های کثیری بالای رئیس جمهور امریکا توسط زنان بوده و در مورد آخر ادعای تجاوز جنسی بالای یکی از نامزد های محکمه عالی امریکا خبر ساز شد تا حدی که کانگرس زن متعرض را به استعماع در صحن این نهاد احضار کرد.

در اکثر موارد این ادعا ها حقیقت داشته و هدف از برملا سازی آن اعاده حیثیت زن نبوده و یا منجر به اقدامات پیشگیرانه جهت حفاظت و امنیت نمی‌گردد. برعکس گراف تجاوز و تعرض جنسی بالای زنان در تمام دنیا رو به افزایش است. قضایای تجاوز و تعرض جنسی بالای زنان در غرب به حدی رسیده که حال هر که به هر شکل از آن استفاده می‌کند. در رقابت‌های کاری و کمپاین‌های سیاسی ازین حربه استفاده صورت می‌گیرد. در امریکا هیچ مقام بلند پایه چه دولتی و چه خصوصی و رؤسای کمپنی‌های بزرگ از آن در امان نیستند. حتی بخاطر ورشکسته ساختن رقبای خود کمپنی‌های بزرگ تجارتي زنان را در مقابل استخدام می‌نمایند تا بالای رؤسای کمپنی‌های رقیب ادعای سوء استفاده و تعرض جنسی نمایند تا از این طریق، فرد مجبور به ترک تجارت شده و یا از اثر بدنامی شرکتش در مارکیت ورشکست گردد. در اکثر موارد قضیه‌های کهنه و مدت‌ها قبل در هنگام کمپاین‌های انتخاباتی رسانه‌یی شده و یا زمانی که رئیس یک شرکت دست‌آورد های تجاری داشته باشد، حتماً یکی دو قضیه تجاوز و تعرض جنسی وی برملا می‌گردد.

امروز گزارش رسانه‌های مشهور امریکایی می‌رساند که مردها و رؤسای ذکور شرکت‌های بزرگ تجاری و مقامات بلند پایه دولتی مجبور شده‌اند تا حد امکان از زنان دوری جویند و حتی المقدور داد و ستد کاری با زنان نداشته باشند. به گزارش نشریه بلومبرگ،

مردها در وال ستريت متوسل به يك سلسله تدابير از قبيل خلوت نكردن با زنان، استفاده از دفاتر جدا گانه و تا ناوقت شب در يك اطاق با زنان كار نكردن و حتى در يك ليفت يا آسانسور با زن بالا نشدن را اتخاذ نموده‌اند كه از تهمت‌ها و استفاده‌هاي ابزاري زنان در امان باشند. اكثر تدابير را كه رؤساي ذكور شركت‌هاي مشهور امريكايي اتخاذ نموده‌اند، در حقيقت همان نسخه‌هاي است كه شريعت اسلام آن را نجويز نموده است.

متأسفانه حكام مزدور و حلقات بي‌دين، بي‌غيرت و بي‌عقل در افغانستان، قوانين و راه زندگي‌اي كه از طرف خداوند متعال براي حل مشكلات بشريت فرستاده شده را كنار گذاشته، در يك تقليد كور كورانه و ذلت‌بار كوشش دارند تا اين چنين نظام پست را در افغانستان و ديگر كشورهاي اسلامي تطبيق نمايند. قرباني درجه اول تطبيق اين نظام خواهران مسلمان كشور ما بوده و در قدم دوم خانواده‌ها و جامعه افغانستان مي‌باشد. از روي حوادث و خبرهاي چون خبر فدراسيون فوتبال نبايد كه بي‌تفاوت گذشت. اين در حقيقت يك زنگ خطر براي همه مسلمانان غيور افغان مي‌باشد. امروز اگر بالاي خواهران ما در ادارات و يا فدراسيون‌هاي ورزشي تجاوز صورت مي‌گيرد و اگر اين وضعيت ادامه يابد زود است كه خواهران و دختران هيچ يكي از ما در امان نخواهند بود.

اسلام عزيز امينت و عفت خواهران مسلمان و زنان را اصل قرار داده و تمام فعاليت‌هاي تجاري و كاري زنان را مشروط به همين اصل گذاشته است. شريعت الهي هرگز مانع كار، تعليم و فعاليت‌هاي اجتماعي زنان نبوده؛ بلكه در عين حال حافظ و مسؤل عزت، عفت و امينت خواهران مسلمان مي‌باشد. خداوند زنان مسلمان را مرتبه بلندتر از آن داده است تا از جنس و جسم آنها استفاده ابزاري صورت گيرد تا از طريق آن كالاهاي تجاري بفروش برسد و يا اين‌كه غرايز يك مرد فاسد اشباع گردد. عزت و مرتبه اجتماعي زن مسلمان بسيار بلندتر از اين‌ها مي‌باشد اكثر فيمينيست‌هاي غربي بعد از مطالعه زندگي زنان مسلمان و حقوق آنها در شريعت به اسلام گرويده‌اند. ولي جاي افسوس است كه خواهران ما آگاهانه و ناآگاهانه دارند آهسته آهسته بطرف قرباني شدن نظام كپتاليستي- امپرياليستي مي‌گردند و جاي تأسف بيشتر اين است كه زمينه سازي آن را زمامداران دولت فاسد مي‌كند.

آيا مسخره نيست كه ما مسلمانان با تاريخ درخشان كه داريم درس اخلاق و حقوق بشر را از كشوري بگيريم كه رئيس جمهور و بزرگترين مرجع قضايي آن ملوث و متهم به فساد و تجاوز بالاي زنان مي‌باشد؟ آيا عقل سليم اين را پذيرفته مي‌تواند كه كشور انسان مفسد مانند ترمپ رهبر آن باشد، الگوي اخلاقي و نظام سازي براي ما مسلمانان گردد؟

جمال يوسف